



الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

"  
!#\$%#&'  
( ) +, &- , ( . / 0 1 2 3 4 5 6 7 8 9 ! \$  
:\* +. <=>? > @

پ هر ک ا ما باد به آذ به به . له آن به د ی ما ذ ک  
می گردد عمل کند با آذ به باء کراه ذ م مامی د  
پره نماد، راهران انی مرگ ناگهانی ا را احاه می کند پ ر  
که دگر نه به ا به حال دمند می افد نه پ مانی ا گناه ا  
را ک فر ما می رهانند.

# صَفِيرِ هَدَايَاتِ

مباحث تفسیری سید محمد ضیاء آبادی

عنوان: آہ از این غصہ ی جانکاه

ناشر: انتشارات مؤسسہ بنیاد خیریہ الزہراء ع

لیتوگرافی: موعود

چاپ: غزال

چاپ اوّل: مرداد ۹۲

شمارگان: ۱۵۰۰۰ نسخه

شمارہ ی مسلسل: ۳۸۰

[WWW.SAFIREHEDAYAT.COM](http://WWW.SAFIREHEDAYAT.COM)



بنیاد خیریہ الزہراء  
شمارہ تجدید ۱۶-۵۲ فاسس ۱۳۳۳

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
انسان در احاطه‌ی رحمت‌های خداوند .....	۱
کوتاهی انسان در انجام وظایف عقلانی خود .....	۳
غصه‌ی شدید رسول اکرم <small>ﷺ</small> از نافرمانی مردم .....	۵
دل‌داری خداوند به رسول اکرم <small>ﷺ</small> .....	۸
زننده و تازه بودن قرآن در هر زمان .....	۹
امام جواد <small>علیه السلام</small> بابرکت‌ترین مولود در اسلام .....	۱۱
انفعال شدید قیافه‌شناسان از مشاهده‌ی جمال امام جواد <small>علیه السلام</small> .....	۱۲
خطبه‌ی غزای امام جواد <small>علیه السلام</small> در دو سالگی .....	۱۴

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿٦﴾ فَاعْلَمْكَ بِدَجْعِ نَفْسِكَ عَلَىٰ عَثَرِهِمْ إِنْ لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا  
الْحَدِيثِ أَسَفًا

گویی می‌خواهی بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی،  
اگر به این گفتار ایمان نیاورند.

انسان در احاطه‌ی رحمت‌های خداوند

در آیات قبلی توضیح دادیم که خداوند حکیم قرآن کریم را که کتاب  
هدایت بشر است بر «عبد» خود نازل کرده و فرموده است:

﴿...أَنْزَلَ عَلَيَّ الْكِتَابَ...﴾<sup>۲</sup>

و حال آنکه اقتضای ظاهر کار این بود که بفرماید: «أَنْزَلَ عَلَيَّ رَسُولَهُ  
الْكِتَابَ» چون رسالت تناسب بیشتر با کتاب دارد و این نشان می‌دهد که

۱- سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۶.

۲- همان، آیه‌ی ۱.

باشکوهترین و پرافتخارترین منصب برای رسول اکرم ﷺ در پیشگاه خدا عنوان «عبودیت و بندگی» است از آن نظر که «عبد و بنده» است و سراپا تسلیم و مطیع فرمان پروردگار خود می‌باشد استحقاق آن را پیدا کرده که مهبط وحی و محلّ نزول قرآن کریم باشد. او (پیامبر اکرم ﷺ):

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾<sup>۱</sup>

هرگز از روی هوای نفس سخنی نمی‌گوید، [آنچه می‌گوید] جز وحی [من] چیزی نمی‌باشد.

مطلب دیگر اینکه «خدا» خود را به عنوان «خیر الراحمین» و بهترین رحم‌کنندگان نشان داده و فرموده است:

﴿وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾<sup>۲</sup>

و «پیامبر» را هم «رحمة للعالمین» توصیف کرده و فرموده است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾<sup>۳</sup>

و «قرآن» را هم «کتاب رحمت» تعبیر کرده و فرموده است:

﴿وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ...﴾<sup>۴</sup>

پس خدا «خیر الراحمین» است و پیامبر «رحمة للعالمین» و قرآن «رحمة

۱- سوره‌ی نجم، آیات ۳ و ۴.

۲- سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱۸.

۳- سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۱۰۷.

۴- سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۸۲.

لِلْمُؤْمِنِينَ»؛ یعنی «خدا» منبع رحمت است و «پیامبر» مظهر رحمت و «قرآن» برنامه‌ی نیل به رحمت؛ در نتیجه انسان در احاطه‌ی چند رحمت قرار گرفته است.

### کوتاهی انسان در انجام وظایف عقلانی خود

در چنین شرایطی وظیفه‌ی انسان چیست؟ آیا وظیفه‌ای جز این دارد که به حکم عقلش باید خود را به دامن «رحمت» بیفکند و اجرا کننده‌ی برنامه‌ی «رحمت» گردد؟ ولی متأسفانه از انجام وظیفه‌ی عقلانی خود سر باز می‌زند و شاکر در مقابل نعمت خداوند خود نمی‌باشد:

﴿...أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾<sup>۱</sup>

﴿...أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾<sup>۲</sup>

﴿...أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>۳</sup>

اکثریت آنان نه تنها شاکر نیستند، بلکه نسبت به پیام‌آوران خدا شدیداً ظلام و جبار و خیانتکار هستند. انبیای الهی در هر زمان از دست مردم ستم‌ها دیده‌اند و زجرها کشیده‌اند. رسول اکرم ﷺ چه شکنجه‌های جسمی و روحی از مردم می‌دید و خون دل می‌خورد. حتی سرسخت‌ترین دشمنانش از خویشاوندانش بودند. در قرآن از هیچ‌یک از دشمنانش صریحاً اسمی به میان

۱- سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱۰۳.

۲- سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۶۰.

۳- سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۳۷.

نیامده ولی از عمویش (ابولهب) صریحاً اسم برده شده و سوره‌ای مستقلاً در مذمت او نازل شده است:

﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ ﴿١﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ ﴿٢﴾ سَيَصِلُ  
نَاراً ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾ وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ﴿٥﴾﴾<sup>۱</sup>

بریده باد هر دو دست ابولهب! [مرگ بر او باد]. تباهی بر او باد.... بزودی وارد آتشی شعله‌ور خواهد شد و نیز همسرش در حالی که هیزم کش دوزخ است...

منظور اینکه پیامبر اکرم ﷺ از دست مردم زمانش خیلی زجر کشیده است. عبا از دوشش برمی‌داشتند و بر گردنش می‌پیچیدند و او را روی زمین می‌کشیدند، خاکستر بر سرش می‌ریختند و در حال سجده، شکمبه‌ی خونین گوسفند بر سرش می‌انداختند. ولی مع‌الوصف آن حضرت جز مهر و محبت از خود چیزی به آن مردم اظهار نمی‌کرد و نفرینشان نیز نمی‌نمود. بلکه می‌گفت:

(اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ):

خدا یا! این قوم مرا هدایت کن، اینها جاهل و نادانند.

آنان از صلاح و مصلحت خود آگاه نیستند، اخذ و عقابشان نکن. خدا هم در قرآن کریمش بندگان اسرافکار خود را از رحمت خود مأیوسشان نمی‌سازد و

می‌فرماید:



﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ...﴾<sup>۱</sup>

ای بندگان اسرافکار من! که بر خود ستم کرده‌اید، هیچگاه از رحمت خدا نومید

نشوید...

﴿...إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا...﴾<sup>۲</sup>

شما توبه کار گشته رو به سوی من بیایید مطمئن باشید که خدا همه‌ی

گناهان را می‌آمرزد. تا آنجا که از پیامبر خود نیز تشکر می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾<sup>۳</sup>

و تو ای پیامبر! چقدر مهربان و دارای خلق و خوی عظیم می‌باشی.

غصه‌ی شدید رسول اکرم ﷺ از نافرمانی مردم

بدیهی است آنچه که خدا آن را عظیم و بزرگ بشمارد در عظمت و بزرگی

برای ما قابل تصوّر نمی‌باشد. حال در آیه‌ی مورد بحث هم خطاب به رسول

اکرم ﷺ می‌فرماید:

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾

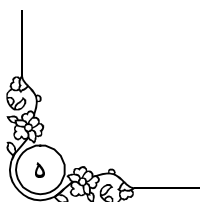
ای پیامبر! تو آنچنان نسبت به عدم ایمان مردم به قرآن و جهنمی شدنشان

تأسّف می‌خوری و محزون و غمناک می‌گرددی که گویی می‌خواهی خود را

۱- سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۵۳.

۲- سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۵۳.

۳- سوره‌ی قلم، آیه‌ی ۴.



هلاک کنی.

«قاتل» یعنی آدم کش، «باخع» یعنی خودکش، اما نه آن خودکشی که مثلاً با خوردن سم خود را بکشی بلکه خودکشی از شدت غصه و غم. به اصطلاح خودمان دق مرگ شدن.

از باب مثال پدری به پسرش خدمت کرده و بزرگش کرده و جوان شده، حالا که شدیداً دوستش دارد می بیند از راه خدا و دین منحرف گشته با رفقای نامناسب همنشینی می کند، اعمال و اخلاق زشت و نفرت انگیز از خود بروز می دهد و وعظ و نصیحت در او اثرگذار نمی باشد، طبیعی است که پدر پیر متدین از کجروی های این جوان محبوبش علی الدوام غصه و غم می خورد تا آنجا که گویی می خواهد از غصه و غم خود را هلاک کند و دق مرگ شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز برای ابوجهل ها و ابوسفیان ها که به راه کفر و شرک و بت پرستی ادامه می دادند و اعتنایی به دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی کردند بلکه از طرق گوناگون به تحقیر و توهین و اذیت و آزارش می پرداختند از اینرو مانند پدر مهربانی که از کجروی های پسرش محزون و غمگین می شود از جهنمی شدن آن مردم نادان غصه دار می شد تا آنجا که خدایش می فرماید:

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا؛﴾

تو ای رسول مکرم! بخاطر انحراف مردم از مسیر ایمان به قرآن آنچه غصه

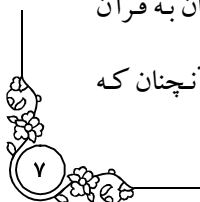
می خوری که گویی از غصه و غم می خواهی خود را هلاک کنی.

کلمه‌ی «آثار» جمع اثر است، «اثر» به چیزی گفته می‌شود که از کسی باقی مانده است. مثلاً کسی که از روی یک زمین خاکی نرم راه رفته و جای پایبی از او روی خاک باقی مانده است به آن جای پا «اثر» گفته می‌شود یا لباسی از عزیزی باقی مانده و نوشته‌ای از آثار قلمی او یا عکسی از او مانده است افراد خانواده و دوستانش از دیدن آن آثار باقی مانده‌ی از او به یاد او می‌افتند و از رفتنش غصه می‌خورند.

حال آیه نشان می‌دهد که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دیدن آثار باقی مانده از آن مردم رذل و پست و منفور که آمده‌اند پس از آن همه تحقیر و توهین و حتی زدن و غرق خون کردنش رفته‌اند آن پدر مهربان، از پشت سر آنان از دیدن آثار و جای پای آنها به یاد آنها می‌افتد و غصه می‌خورد که چرا بهشتی نشده رفتند. این نهایت درجه‌ی شدت محبت است که آن پدر مهربان امت به سعادت ابدی امت خود داشته است که خدا هم با لحنی تعجب آمیز خطاب به آن بزرگمرد عالم انسان می‌فرماید:

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾؛

تو چقدر به حال این مردم تأسف می‌خوری! و از اینکه ایمان به قرآن نمی‌آورند و خود را جهنمی می‌سازند محزون و غمگین می‌شوی آنچنان که



گویی از غصّه و غم می خواهی خود را هلاک کنی؟

در سوره‌ی شعرا<sup>۱</sup> هم نظیر این جمله را می بینیم که خدا می فرماید:

﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۲</sup>

تو ای پیامبر! از اینکه این مردم ایمان نمی آورند چنان خودخوری می کنی که گویی

می خواهی از غصّه خود را بکشی.

دلداری خداوند به رسول اکرم ﷺ

آنگاه خداوند متعال آن حضرت را دلداری می دهد و می فرماید:

﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾<sup>۲</sup>

ما اگر بخواهیم اراده کنیم از آسمان بر سر آنان عذابی نازل می کنیم و آنها را

مجبور می کنیم که گردن هایشان در برابر آن خاضع گردد.

ولی این کار را نمی کنیم چون بنای کار ما بر این است که انسان ها با آزادی

و اختیار خود دعوت به توحید را بپذیرند و راه بهشت یا جهنم را با انتخاب خود

برگزینند. تو نیز ای رسول گرامی ما! از نافرمانی اینان ناراحت نباش و غصّه نخور.

﴿...قُلِ اللَّهُ تَمَّ ذَرَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ﴾<sup>۳</sup>

... تو بگو: الله و [حرف خود را بزن و آنگاه] ره‌اشان کن تا در لجاجت هایشان

۱- آیه‌ی ۳.

۲- سوره‌ی شعرا، آیه‌ی ۴.

۳- سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۹۱.

غوطه‌ور گردند و سرانجام کار خود را ببینند.

﴿طه﴾ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ ﴿١﴾ إِلَّا تَذَكُّرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ ﴿٢﴾!

ای ماه درخشان آسمان نبوت! ما قرآن را به تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی آن را فقط برای یادآوری کسانی نازل کردیم که خوف و خشیت از خداوند عالم دارند.

منظور اینکه پیامبر اکرم ﷺ این پدر مهربان امت آنچنان نسبت به امت خود دلسوز و مهربان بوده و از بی‌ایمانی مردم غصّه می‌خورده که خداوند دلداریش می‌داده است و این راستی عجیب است زیرا خدا گر به بندگانش مهربانی کند تعجّبی ندارد چرا که مخلوقش هستند و طبیعی است که خالق به مخلوقش و صانع به مصنوعش علاقه‌مند است و محبت دارد ولی پیغمبر که خالق مردم نیست، ابوجهل و ابوسفیان که مخلوق پیغمبر نیستند تا محبتش نسبت به آنها طبیعی باشد. در عین حال آنچنان به آنها محبت دارد و از جهنمی شدنشان ناراحت می‌شود و رنج می‌برد که خدا می‌گوید: تو از غصّه‌ی آنها می‌خواهی خود را هلاک کنی.

زنده و تازه بودن قرآن در هر زمان

نکته‌ی دیگر اینکه در آیه‌ی مورد بحث از قرآن تعبیر به «حدیث» شده

است:

﴿إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ﴾

«حدیث» یعنی تازه و نو، اگر به روایات معصومین علیهم السلام نیز حدیث می‌گوییم از آن نظر است که آنها سخن از حقایقی به میان می‌آورند که برای همیشه نو و تازه است و هرگز کهنه نمی‌شود. قرآن هم چنین است، یعنی حقایق و معارف آسمانی‌اش که برای هدایت جامعه‌ی بشر تا روز قیامت از جانب خداوند حکیم فرود آمده است برای همیشه تازه و نو خواهد بود و هرگز کهنگی و فرسودگی به ساحت اقدس او راه نخواهد یافت و باید هم چنین باشد زیرا معجزه‌ی جاودانی پیغمبر خاتم صلوات الله علیه است و برای مردم هر زمانی باید تازه و نو باشد تا دلیل بر نبوت آورنده‌اش برای مردم آن زمان باشد. تمام کتاب‌هایی که دانشمندان بشری نوشته‌اند از حکما و فلاسفه و عرفا همه بر اثر مرور زمان و تکامل علمی بشر رو به کهنگی می‌روند و نافع به حال آیندگان نمی‌باشند. تنها قرآن است که کهنگی نخواهد داشت بلکه آنگونه که خورشید هر روز از افقی تازه طلوع و نورافشانی می‌کند، قرآن نیز در هر زمانی برای مردم آن زمان نورافشانی می‌کند و برای همیشه حدیث یعنی سخنی تازه است و سخنان پیامبر اکرم صلوات الله علیه و امامان علیهم السلام نیز مانند قرآن حدیثند و تازگی دارند.

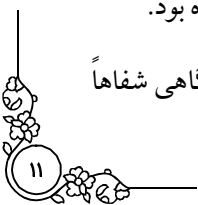
## امام جواد علیه السلام با برکت ترین مولود در اسلام

شب دهم ماه رجب شب ولادت با میمنت امام جواد علیه السلام است، چند تن از امامان ما در سنّ کودکی به امامت رسیده‌اند؛ امام جواد علیه السلام در ۹ سالگی و امام هادی علیه السلام در ۸ سالگی و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ۵ سالگی.

وقتی امام جواد علیه السلام از مادر متولد شد پدر بزرگوارش امام رضا علیه السلام فرمود:  
(هَذَا الْمَوْلُودُ الْمُبَارَكُ لَمْ يُوَلَدْ فِي الْإِسْلَامِ، مَوْلُودٌ أَعْظَمُ بَرَكَهَ مِنْهُ عَلَيَّ  
شِيعَتِنَا)؛

این نوزاد مبارکی است که در اسلام مولودی با برکت تر از او بر شیعه‌ی ما تولد نیافته است. سرّ آن این بود که امام رضا علیه السلام تا ۴۵ سالگی فرزندان نداشته بود و همین موجب پیدایش شبهه‌ای در اذهان مردم شده بود، چون شیعه معتقد است که غیر امام حسن مجتبی علیه السلام بقیه‌ی امامان هر امامی فرزندش امام بعد از خودش می‌باشد تا امام دوازدهم. یعنی از نشانه‌های امامت هر امامی فرزنددار بودن اوست و چون امام رضا علیه السلام به سنّ کهولت رسیده و فرزنددار نشده است از اینرو امامت امام رضا علیه السلام در اذهان برخی از مردم زیر سؤال می‌رفت و قهراً امامت امامان قبلی هم مورد شکّ و تردید قرار می‌گرفت تا به رسالت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌رسید اساس اسلام متزلزل می‌گشت و برای دشمنان اسلام نیز بهانه‌ی خوبی پیدا شده بود.

این شبهات دامن گسترده بود و روز به روز گسترده‌تر می‌شد. گاهی شفاهاً



از امام رضا علیه السلام می پرسیدند: امام بعد از شما کیست؟ آن حضرت جواب می داد: پسر من امام بعد از من است. آنگاه می فرمود: آیا ممکن است کسی که پسری ندارد با جرأت تمام بگوید: پسر من امام بعد از من است. ولی مطمئن باشید که به همین زودی فرزندان می شوم و او امام پس از من خواهد بود.

این سؤال و جواب‌ها کتباً و شفهاً ادامه داشت تا امام جواد علیه السلام از مادر متولد شد و به تمام این تشکیکات و شبهه‌پرانی‌ها خاتمه داد و اساس رسالت و امامت را تحکیم کرد و لذا امام رضا علیه السلام فرمود:

(هَذَا الْمَوْلُودُ الْمُبَارَكُ لَمْ يُوَلَّدْ فِي الْإِسْلَامِ، مَوْلُودٌ أَعْظَمُ بَرَكَهَ مِنْهُ عَلِيٌّ شِيعَتِنَا)؛

این نوزاد مبارکی است که در اسلام مولودی با برکت‌تر از او بر شیعه‌ی ما تولد نیافته است.

**انفعال شدید قیافه‌شناسان از مشاهده‌ی جمال امام جواد علیه السلام**

بعد از تولد ایشان نیز باز دشمنان بهانه‌جو دست بردار نبودند و از امام رضا علیه السلام سؤال می کردند: امام بعد از شما کیست؟ امام علیه السلام در پاسخ اشاره به کودک سه ساله‌اش می کرد و می فرمود: امام بعد از من همین کودک است. آنگاه برای رفع شبهه از فکر آنها استدلال به آیات قرآن راجع به نبوت حضرت عیسی علیه السلام نوزاد در آغوش مادرش می کرد و می فرمود: طبق آیه‌ی قرآن حضرت



عیسی علیه السلام نوزاد در گهواره بود که در مقام دفاع از حریم عفت مادرش به سخن درآمد و:

﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا﴾<sup>۱</sup>

گفت: حقیقت اینکه من بنده‌ی خدا هستم که به من کتاب داده و مبعوث به نبوتم کرده است.

وقتی یک کودک نوزاد صلاحیت نبوت داشته باشد، آیا استبعاد دارد که یک کودک سه ساله هم صالح برای امامت باشد؟!

ولی باز دشمنان لجوج معاند دست بردار نبودند و بهانه‌ی دیگری پیش کشیدند و گفتند: امام رضا علیه السلام برای اینکه خود را فرزنددار نشان بدهد بچه‌ای از خانواده‌ای گرفته و آن را به خودش نسبت داده، پسر خوانده‌اش ساخته است. این بچه مال خودش نیست. آنگاه برای محکم کاری حرف خودشان سراغ قیافه‌شناسان رفتند.

آنها کسانی بودند که با نگاه به چهره و قیافه‌ی بچه و پدرش تشخیص می‌دادند که این بچه از این پدر هست یا نیست. آنها را آوردند در گذرگاهی که امام جواد علیه السلام سر ساعت معین دست در دست خدمتکارش از آنجا عبور می‌کرد نگه داشتند. آن روز امام جواد علیه السلام کودک دو ساله‌ای بود، همین که امام جواد علیه السلام

---

۱- سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۳۰.

از جلو آنها عبور کرد، آنها تا چشمشان به چهره‌ی نورانی آن حضرت افتاد  
آنچنان دگرگون شدند که روی خاک به سجده افتادند و گفتند:

(وَيُحَكِّمُ أَمْثَلَ هَذَا الْكُوكَبِ الدُّرِّيِّ وَ التُّورِ الزَّاهِرِ، تُعْرِضُونَ عَلَيَّ مِثْلَنَا؟  
هَذَا وَ اللهُ الْحَسَبُ الرَّكِيُّ وَ التَّنَسُّبُ الْمُهَدَّبُ الطَّاهِرُ... وَ اللهُ مَا هُوَ إِلَّا مِنْ  
ذُرِّيَّةِ النَّبِيِّ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام)؛<sup>۱</sup>

ای مردم! وای بر شما این ستاره‌ی درخشان را به ما عرضه می‌کنید این به خدا قسم!  
پاکی و عظمت نسب از چهره‌اش پیدا است.... به خدا قسم! او جز از ذریه‌ی رسول خدا و علی  
امیرالمؤمنین عليه السلام نیست.

### خطبه‌ی غزای امام جواد عليه السلام در دو سالگی

در این موقع امام جواد عليه السلام احساس کرد که لازم است چند جمله‌ای صحبت  
کند و گوشه‌ای از مقام ولایت خود را نشان مردم بدهد، این بود که دست خود را  
از دست خدمتکار خود کشید و روی یک پله‌ی بلندی ایستاد و این کودک دو  
ساله شروع به صحبت کرد:

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنَا مِنْ نُورِهِ وَ اصْطَفَانَا مِنْ بَرِيَّتِهِ وَ جَعَلَنَا أَمَنَاءَ لِلَّهِ  
عَلَى خَلْقِهِ وَ وَحْيِهِ)؛

خدا را شکر که ما را از نور خودش آفرید و ما را از میان تمام خلقش برگزید و ما را

۱- مناقب این شهر آشوب، جلد ۴، صفحه ۳۸۴.

امین بر خلق و وحیش قرار داد.

و بعد خطاب به مردم فرمود:

(مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الرِّضَا وَ ابْنُ مُوسَى الكَاظِمِ وَ ابْنُ جَعْفَرٍ

الصَّادِقِ)؛

ای مردم! من اسام محمد است و پسر علی رضا هستم، پدر من پسر موسی کاظم است و او پسر جعفر صادق است.

همین طور یکی یکی از پدران خود اسم برد تا رسید به امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و زهرا علیها السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. آیا درباره‌ی نسب مثل منی باید تردید داشته باشید و قیافه‌شناسان برای شناسایی من بیاورید.

(إِنِّي وَ اللَّهُ أَعْلَمُ مَا فِي سَرَائِرِهِمْ وَ خَوَاطِرِهِمْ وَ إِنِّي وَ اللَّهُ لَا أَعْلَمُ النَّاسِ أَجْمَعِينَ بِمَا هُمْ إِلَيْهِ صَائِرُونَ)؛

به خدا قسم! من می‌دانم آنچه مردم در باطن و نیت‌های خود دارند و از همه‌ی مردم به تحولات و آینده‌ای که دارند آگاه‌ترم.

(وَ أَيُّمُ اللَّهُ لَوْ لَا تَظَاهَرُ الْبَاطِلُ عَلَيْنَا وَ غَوَايَةُ ذُرِّيَّةِ الْكُفْرِ وَ تَوَثُّبُ أَهْلِ الشُّرُوكِ وَ الشُّكِّ وَ الشَّقَاقِ عَلَيْنَا لَقُلْتُ قَوْلًا يَعْجَبُ مِنْهُ الْاَوَّلُونَ وَ الْاٰخِرُونَ)؛

به خدا قسم! اگر نبود شریطی که پیش آمده و ما ناچاریم که سکوت کنیم... هر آینه سخنی می‌گفتم که اولین و آخرین را به تعجب وامی‌داشتم.

ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَىٰ فَمِيهِ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ اصْمِتْ كَمَا صَمَتَ آبَاؤُكَ وَ  
اصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوْلَاؤُ الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ؛

آنگاه دست خود را بر دهان خود گذاشت و گفت: ای محمد! ساکت باش همانطور  
که پدران ساکت شدند، صبر کن آنطور که پیامبران و رسولان اولوالعزم صبر کردند.  
بعد از بلندی پایین آمد و دستش را به دست خدمتکار خود داد و به راه افتاد  
و مردم با حیرت و تعجب نگاه می کردند و راه باز می کردند و می گفتند:

﴿...اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ...﴾؛

...خدا بهتر می داند که چه کسانی را برای پیشوایی مردم برگزیند...

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ أَحْيِ بِهِ سُنَّةَ  
نَبِيِّكَ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَ مِنْ الْمُنْتَظَرِينَ لظَهْرِهِ.  
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

## «خودآزمایی»

- ۱- با شکوهترین منصب برای رسول اکرم ﷺ چه عنوانی است؟
- ۲- سه رحمتی که انسان را احاطه کرده‌اند کدامند؟
- ۳- وظیفه‌ی انسان در قبال این دامنه‌ی گسترده‌ی رحمت الهی چیست؟
- ۴- خداوند متعال ناسپاسی انسان را چگونه یادآور می‌شود؟
- ۵- عکس‌العمل رسول اکرم ﷺ در قبال بد رفتاری مردم چگونه بود؟
- ۶- ابولهب کیست و کلام خداوند در باره‌ی او چیست؟
- ۷- کدام آیه از قرآن گناهکاران اسرافگر را به آمرزش امیدوار می‌کند؟
- ۸- دو واژه‌ی «قاتل» و «باخع» چه مفهومی دارند و واژه‌ی «باخع» در چند آیه آمده است؟
- ۹- شدت غصه‌ی رسول اکرم ﷺ را چگونه می‌توان به تمثیل آورد؟
- ۱۰- واژه‌ی «علی آثارهم» به چه معنایی اشاره دارد؟
- ۱۱- خداوند متعال چگونه پیغمبر خود را دلداری می‌دهد؟
- ۱۲- چرا خداوند حکیم یکباره دشمنان دین را نابود نمی‌کند؟
- ۱۳- سفارش خداوند به رسول اکرم ﷺ در خصوص نحوه‌ی رفتار با کافران لجوج چیست؟
- ۱۴- سبب اینکه خداوند متعال قرآن کریم را حدیث قلمداد می‌کند چیست؟
- ۱۵- چند امام معصوم در کودکی به امامت رسیده‌اند؟ نام ببرید.
- ۱۶- با برکت‌ترین مولود در اسلام کیست و سبب آن چیست؟
- ۱۷- امام رضا علیه السلام برای اثبات امامت در کودکی چگونه استدلال کردند؟
- ۱۸- عکس‌العمل قیافه‌شناسان با مشاهده‌ی جمال امام جواد علیه السلام چگونه بود؟
- ۱۹- امام جواد علیه السلام در دو سالگی خطبه‌ی خود را چگونه آغاز کرد و با چه بیانی خود را معزفی نمود؟
- ۲۰- به اتم نکاتی که امام جواد علیه السلام در خطبه‌ی خود بیان نمودند اشاره کنید.

**فراموش نکنیم!**

از عوامل مؤثر در تقویت شریعت و گسترش معنویت،  
تبلیغ زیبای معرفت و حقیقت است.

دفتر امور فرهنگی بنیاد خیریه الزهراء علیها السلام

**رحمت گسترده‌ی خداوند**

قال رسول الله ﷺ:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، اللَّهُ أَرْحَمُ بِعَبْدِهِ مِنَ الْوَالِدَةِ الشَّفِيقَةِ  
لَوْلَدِهَا؛  
(روضه الواعظین/ ۲/ ۵۰۳)

رسول خدا ﷺ فرمود:

سوگند به آن کس که جانم در دست اوست، خداوند به بنده‌اش  
مهربانتر از مادر مهربان نسبت به فرزندش می‌باشد.



قال رسول الله ﷺ: قال الله تعالى:

إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ رَحْمَتِي فَارْحَمُوا؛ (مستدرک/ ۹/ ۵۴)

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند متعال فرموده است:

اگر خواهان رحمت من هستید به یکدیگر رحم کنید.

**انتشار مطالب موجود**

با حفظ محتوا و رعایت کیفیت بلامانع است.

...پیامبر اکرم ﷺ این پدر مهربان است آنچنان نسبت به امت خود دلسوز و مهربان بود و از بی ایمانی مردم غصه می خورده که خداوند دلداریش می داده است و این راستی عجیب است زیرا خدا اگر به بندگان مهربانی کند تعجیبی ندارد چراکه مخلوقش هستند و طبیعی است که خالق به مخلوقش و صانع به مصنوعش علاقه مند است و محبت دارد. ولی پیغمبر که خالق مردم نیست، ابوجهل و ابوسفیان که مخلوق پیغمبر نیستند تا محبتش نسبت به آنها طبیعی باشد... (از متن کتاب)

## بخش سخنرانی‌ها و تألیفات

حضرت آیت الله سید محمد ضیاء آبادی (مدظله العالی)

از پایگاه اینترنتی

[WWW.SAFIREHEDAYAT.COM](http://WWW.SAFIREHEDAYAT.COM)

### توجه:

لطفاً پس از مطالعه‌ی این جزوه، در صورت عدم نیاز،  
آن را به دوستان علاقه مند یا کتابخانه یا نشانی ذیل انتقال دهید.  
باتشکر

نشانی: تهران - میدان سنیریه - خیابان شهید معیری - نرسیده به

تلفن: ۵۵۳۸۰۵۳۴

چهارراه لشکر - کوچه ارجمند پلاک ۴

